طی کردن هزار-هزار و پانصد کیلومتر در یک شبانه‌روز توسط بربری

(20:05)

شاگرد۲: این که بالا را در موضوع آورده اند، از این مسائل که بلد جدی شکل گرفته و ای توسعه پیدا کرده بحث کرده اند؟

استاد: در کلام الان گفته شده است. در کلمات آن آقا هم هست. مثلا به بالا بعیده اصلا خبر نمی رفته و محل ابتلائشان نبوده است. اگر در روایات «مصر من الامصار» آمده ناظر به متعارف آن زمان بوده است. جایی که نزدیک بودند و خبر می رفته. این جور نیست که آن جا که امصار می گفتند [بالا متابعده را شامل نشود]. در زمان ما مقالات تحقیقی هم هست. در این که سیر متعارف آن زمان چقدر بوده است. آن چه که در فقه همه شنیده ایم، «شُغل یومه» است. در نماز مسافر هست. «مسیرة یوم للشمس» در روایت شرق و غرب بود. برای بربدَین هم «مسیرة یوم» بود که هشت فرسخ می شود. آن برای سیر بسیار متعارف شتر بود. هشت فرسخ، آن هم مسافری که «ذهب بریدٌ و رجع بریدٌ» است، بین آن هم کار انجام می دهد. این طور نیست که کل صبح تا شب این شتر برود. آن برای آن جا بود. اما اسب ها و بریدهایی که با سرعت می رفتند، به گمانم خیلی بیش از این ها بوده است. من یک محاسبه مختصری کردم. شاید اسب های متعارف پست در آن زمان، در یک شبانه روز مسافت هزار و پانصد کیلومتر را می رفتند. نه یک اسب. الان از مشهد تا تهران هزار کیلومتر است. هزار و پانصد کیلومتر می رفتند. ولی اسب ها را عوض می کردند. وقتی اسب ها شصت-هفتاد کیلومتر می رفتند و به جای دیگر می رسیدند، اسب های تازه نفس بوده است. چون عجله داشتند آن اسب را می بستند تا استراحت کند، سوار یک اسب دیگری می شدند و می رفتند. در تاریخ هم آمده است.

شاگرد: بربری چیست؟

استاد: بربری پستچی است. آنی است که نامه می برد. یک اصطلاح بربری هست که به معنای چهار فرسخ است. یکی هم اصطلاح پستچی است که نامه می برد. بربری یعنی پستچی ِنامه بر. یکی هم یعنی چهار فرسخ؛ بربدان.

از چیزهایی که الان روشن است و همه نقل می کنند، این است: حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه چه زمانی از مکه بیرون آمدند؟ روز تروییه بود. حج هم به جا نیاوردند. کاروان مبارک که تشریف می بردند، خیلی تند نمی رفتند. به خاطر شرائط خاصی که بود. ولذا حضرت از تروییه که بیرون آمدند زیری مانده و حج به جا آورد و وقوف کرد. چند روز بعدش آمد و کاروانش به حضرت رسید. البته برخی می گویند زیری عجله داشت، خیلی خب. علی ای حال کاروان بود. اگر عجله داشت هم باز رسید. خب حضرت چند روزه رفتند؟ حدود بیست روز. هزار و چهارصد کیلومتر را بیست روزه رفتند. یعنی یک کاروانی که خیلی عجله ندانشتند و به این شواهد روشن طی طریق کردند، حدود بیست روز طول

کشی. هزار و چهارصد کیلومتر از مکه بیرون آمدند و تا حدود کوفه آمدند. این ها یک چیزهایی است که دارد نقل می شود. شواهد آن در زبان ها هست. این جور نیست که بگوییم منطقه ها فاصله داشت و چندین ماه طول می کشیده است. آقای شعرانی در جواب فیض فرمودند شهوری طول می کشید که بروند. در حالی که بیست روز رفته‌اند. آن هم گفتم تازه حضرت با کاروان بودند. همراهشان زن و بچه بودند. بردهایی که با اسب تندرو می رفتند که خیلی زود می رسیدند. اصلا این جور نبوده که ما بگوییم در آن زمان ها خبرها دیر می رسیده است.

شاگرد۱: در سه ساعت صد و پنجاه کیلومتر را می رفتند.

استاد: اسب های تندرو شاید حدود هشتاد-نود کیلومتر را می رفتند. متوسطش مثلا شصت کیلومتر بود.

شاگرد: فرمودید در شبانه روز چقدر می رفتند؟

استاد: هزار و پانصد کیلومتر می رفتند. تا دو هزار کیلومتر هم معقول بود. اگر عجله داشتند می توانستند تا دو هزار کیلومتر بروند. یعنی اسب ها را با سرعت ببرند.

شاگرد۲: این که می گوید «لکل بلد رویته»، مثلا دو بلد در یک برهه ای متقارب هستند... .

استاد: در این جا نگفتند «لکل بلد حکمه». لذا من پایین عبارت را خواندم.

شاگرد۲: کسانی که می گویند حکم هر بلد برای خودش است، این ها یک قرارداد اجتماعی است. بعدا بلد توسعه پیدا می کند و یک بلد می شوند. آیا حکمش را متفاوت می دانند؟

استاد: نمی دانم. قم و کاشان می گوییم، الان در عرف عام قم و کاشان دو بلد هستند یا یک بلد هستند؟

شاگرد: دو بلد هستند.

استاد: لکل بلد حکم نفسه. اگر شما بخواهید رویت کاشان را به قم بیاورید، طبق این مبنا باید از شارع بپرسید. چراه ای ندارید. اما طبق مبنای شیخ الطائفه، ایشان می گویند اهلال هلال می خواهیم. اگر کاشان هم گفتند می فهمیم اهلال هلال شده است. چون شارع که موضوع حکم خودش را بلد قم قرار نداده است. خب بلد واحد چیست؟ اتحاد عرفی داشته باشند. نمی دانم اتحاد عرفی چطور معنا می کنند؟ مشهد و نیشابور را محضر آن آقا مثال زدم. علی ای حال این ها سوالاتی است که طبق آن مبنا باید روشن بشود و لوازمش را معلوم کنیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 08:05:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 08:23:51 توسط ... .